



نقش میل جنسی در کمال نهایی انسان از نظر قرآن کریم

علی رهیدا، محمد نقیب‌زاده^۱

چکیده

میل جنسی نقش ویژه‌ای در رشد روحانی یا افول حیوانی انسان دارد. پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش میل جنسی در کمال نهایی انسان از منظر قرآن کریم انجام شد. بنابراین، کلیه منابع مکتوب مربوطه به شیوه تحلیلی - اسنادی و با رعایت ضوابط تفسیر موضوعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان داد که خلقت میل جنسی هدفمند بوده و می‌توان بدان صیغه عبادی بخشید و از آن برای کسب کمالات دنیوی و اخروی بهره برد. با استناد به آیات قرآن، ایمان شرط لازم برای انتخاب شریک جنسی است و احتراز از فساد جنسی نقش به‌سزایی در عروج روحی دارد. همچنین حرکت استکمالی اهل بهشت در پرتو آمیزش جنسی تحقق می‌یابد و آیات دلالت‌کننده بر آمیزش جنسی انسان کامل نیز نشان دهنده نقش این میل در کمال انسان است.

واژگان کلیدی: میل جنسی، ارضای مشروع میل جنسی، کمال نهایی انسان، تربیت جنسی، شقاوت و سعادت در امیال، تفسیر موضوعی، آمیزش جنسی انسان کامل.

DOI: 10.22034/ijwf.2023.16825.2135

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷
۱. دانش آموخته دکتری گروه تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: alirahidi66@gmail.com 0000-0003-3891-3553

۲. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.
Email: mn@qabas.net 0009-0003-7587-5282

The Role of Sexual Desire in the Ultimate Perfection of Human from the View of the Holy Quran

Ali Rahid¹, Mohammad Naghibzadeh²

Sexual desire has a special role in the spiritual growth or animal decline of human. The present study was conducted with the aim of investigating the role of sexual desire in the ultimate perfection of human from the view of the Holy Quran. Therefore, all related written sources were review in an analytical-documentary manner and by following the criteria of thematic interpretation. The results showed that the creation of sexual desire is purposeful and it can be given the color of worship and it can be used to achieve worldly and hereafter perfections. According to the Quranic verses, faith is a necessary condition for selecting a sexual partner, and avoiding sexual corruption plays a significant role in spiritual ascension. In addition, the perfect movement of the people of paradise is realized in the light of sexual intercourse; The verses indicating the sexual intercourse of perfect human also show the role of this desire in the perfection of human.

Keywords: sexual desire, legitimate satisfaction of sexual desire, ultimate perfection of human, sexual education, misfortune and happiness in desires, thematic interpretation, sexual intercourse of perfect human.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

DOI: 10.22034/ijwf.2023.16825.2135

Paper Type: Research

Data Received: 2023/08/24

Data Revised: 2023/09/23

Data Accepted: 2023/10/23


1. Ph.D., Department of Interpretation and Sciences of Quran, Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: alirahid66@gmail.com

 0000-0003-3891-3553

2. Assistant Professor, Department of Interpretation and Sciences of Quran, Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.

Email: mn@qabas.net

 0009-0003-7587-5282

۱. مقدمه

مقتضای حکمت الهی این است که هیچ فعلی از افعال او بی‌غرض و هدف نباشد. خلقت انسان که اشرف مخلوقات است نیز از این امر مستثنی نیست: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا» (مؤمنون: ۱۱۵). خداوندی که غنی علی‌الاطلاق است نفع و فایده‌ای از خلقت انسان نمی‌برد، بلکه هدف او لطف و احسان به بشر و رساندن او به کمال است. انسان نیز در مسیر پیمایش کمال خود نیازمند ابزار و وسایلی است که خالق حکیم از این امر نیز غفلت نکرده و همه آنها را در نهاد انسان تعبیه کرده است (فقیهی، ۱۳۹۴). یکی از این تجهیزات بسیار مهم، غریزه جنسی است که نقش ممتاز و بی‌بدیلی در صعود یا سقوط انسان دارد و از مهمترین، مشکل‌ترین، حساس‌ترین و مؤثرترین وسایل آزمایش انسان است به‌گونه‌ای که بسیاری از امتحانات و ابتلائات بشری به‌نوعی مرتبط با این میل است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸). طغیان و ارضای نامشروع این میل منشأ بسیاری از انحرافات فکری، رفتاری، فرهنگی، اجتماعی و... در دنیا، خسران دنیوی و شقاوت ابدی در آخرت و ارضای صحیح و مشروع آن یکی از بهترین مرکب‌ها برای رسیدن به کمال است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴؛ مطهری، ۱۳۸۴، ۵۶۷۱). انسان در صورت پیروزی در این امتحان، کمالات نفسانی قابل‌اعتنایی کسب و به بالاترین درجه عروج می‌کند مانند حضرت یوسف علیه السلام و بزرگانی مانند ابن سیرین و رجبعلی خیاط (مصباح یزدی، ۱۳۸۸). همچنین در صورت شکست به حضيض ذلت سقوط و در درکات ضلالت طی طریق می‌کند و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام در زمره بهایم و حیوانات قرار می‌گیرد (تمیمی‌امدی، ۱۳۶۶).

فلسفه وجودی میل جنسی انسان و ارضای آن نیز برای تأمین همین هدف تبیین می‌شود. پژوهش حاضر، دیدگاه قرآن را که منبع و حیانی و خطاناپذیر در مورد نقش ارضای میل جنسی در رساندن بشر به کمال نهایی اوست، بررسی می‌کند. اگرچه پس از جست‌وجوی گسترده در میان آثار، اثری که مشابه پژوهش حاضر باشد، یافت نشد، در میان تألیفات برخی از بزرگان اشاره‌هایی به این مسئله شده است که البته هیچ کدام به صورت مستقل به این مسئله نپرداخته‌اند. برای نمونه علامه مصباح یزدی در کتاب اخلاق در قرآن (۱۳۹۱، ۲۰۷-۲۲۷) توضیحاتی در مورد ارزش اخلاقی ارضای میل جنسی و بیان برخی کارکردهای این میل ارائه کرده است. علامه طباطبایی، شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی نیز در

آثار خود به مناسبت‌هایی به صورت تک‌گزاره و اشاره‌ای مطالبی را در این زمینه آورده‌اند. در پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی- اسنادی و با رعایت ضوابط تفسیر موضوعی این موضوع بررسی شده است. میل در مباحث انسان‌شناسی از کیفیات نفسانی است که منشأ اراده و حرکت ارادی در انسان بوده و در صورت فقدان آن، فعل اختیاری و ارادی محقق نمی‌شود. میل به تغذی همیشه در انسان وجود دارد، ولی این میل در شرایط خاص تحریک می‌شود تا به اراده خوردن منتهی شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴) میل در اصطلاح به معنای کشش درونی و رغبتی است که باعث حرکت انسان شده و به رفتار او جهت می‌دهد. میل جنسی به معنی کشش و رغبت انسان به سمت مسائل جنسی و شهوانی است. حکما و فلاسفه این میل را قوه شهویه می‌نامند. اصطلاح میل جنسی در **قرآن** به کار نرفته، اما در آیات بسیاری به این مفهوم اشاره شده است. در فرهنگ قرآنی و روایی واژه شهوت گاه در مفهوم عام رغبت به لذات مادی و گاه در مفهوم خاص میل جنسی به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۲/۲۸۲). مفهوم هوی در برخی از مصادیق خود به میل جنسی اشاره دارد. مراد از کمال انسان، صفت وجودی است که شخص فاقد آن بوده، ولی پس از مدتی انسان واجد آن می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۵۷۱). برخی در تعریف کمال انسان گفته‌اند: «کمال الانسان هو خروجه فی جانب العلم و العمل من القوة إلى الفعل» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۷/۱۹۶). بالاترین کمال را که فعلیتی مافوق آن برای انسان فرض نمی‌شود، کمال نهایی انسان می‌گویند (رجبی، ۱۳۹۵). اگرچه کلمه کمال انسان یا کمال نهایی در **قرآن** نیامده است، ولی در آیات وحی، کلمات و مفاهیمی وجود دارد که منطبق با مفهوم کمال نهایی انسان است. فوز، فلاح، سعادت و مفاهمی مانند لقای الهی، قرب الی الله، رضوان و رحمت الهی از این کلمات و مفاهیم است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. هدفمندی میل جنسی

انسان در پیمایش حرکت استکمالی خود، تمام امکانات تعبیه شده در وجودش از جمله امیال را مانند ابزاری به کار می‌گیرد تا هدف خلقت خود را تأمین کند. وقتی هدف از خلقت

انسان ایصال او به سعادت است ناگزیر تمام توابع وجودی او نیز باید برای رساندن او به این مقصد تکوین و تعریف شود. خانواده، جغرافیای زندگی، عصر زندگی، حوادث، خصوصیات فردی، امیال و گرایش‌ها و... جز به‌سوی مقصد خلقت نمی‌تواند قرار گیرد مانند وقتی که فردی فقط به دلیل غرض خاصی مثل قهرمانی در مسابقه ورزشی انتخاب شود و تمام قصد این باشد که او به جایگاه قهرمانی قطعی برسد. در اینجا تمام شئون زندگی او مانند سبک زندگی، تغذیه، ساعت خواب و بیداری، تنبیه و تشویق، روابط اجتماعی و حتی تعطیلی و تفریحاتی که برای او در نظر گرفته می‌شود به‌طور قطع با پیروزی وی در مسابقه ربط دارد. خداوند نیز هرآنچه در نظام تکوین آفریده و در نظام تشریح جعل کرده است برای ایصال انسان به کمال متناسب اوست و انسان نیز باید همه این امور را در همین مورد به‌کار گیرد. همچنان که **قرآن کریم** به رسول الله ﷺ می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلاَتِي وَنُكُوسِي وَحَيَاتِي وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۱۶۲). این آیه، سیر تکوینی (حیات و ممات) و سیر تشریحی (مناسک و نماز) انسان را برای خداوند متعال و در مسیر عبودیت و کمال می‌داند.

در این سلسله اهداف، تعیین هدف نهایی و اصیل نیز به انگیزه فاعل بستگی دارد. به طوری که ممکن است یک هدف برای فاعلی هدف متوسط و برای فاعل دیگر هدفی اصیل و نهایی باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۱۳۶/۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۱۳۹/۲) انسان‌ها نیز در اعمال اختیاری خود بسته به انگیزه‌های خود اهدافی را دنبال می‌کنند. اگر هدف از انجام عملی صبغه الهی باشد ارزشمند بوده و او را در مسیر کمال یاری خواهد کرد. همین صبغه الهی نیز می‌تواند اهداف متوسط و نهایی داشته باشد. ممکن است برای فردی رهایی از جهنم هدف نهایی باشد، شخص دیگر علاوه بر رهایی از جهنم، رسیدن به نعمت‌های بهشتی را نیز در سلسله اهداف خود لحاظ کند. افرادی نیز در مرحله بالاتر تنها رضوان و لقای خداوند را در نظر داشته و باقی اهداف را در قالب مقدمه کسب می‌کنند. در مورد میل جنسی نیز هدف خداوند از خلقت آن در اختیار قرار دادن ابزار لازم برای سعادت انسان است. هریک از انسان‌ها نیز می‌توانند این ابزار را به‌قصد هدف خاصی به‌کار گیرند. گروهی میل جنسی را فقط برای التذاذ و خوش‌گذرانی ارضاء می‌کنند. گروهی ممکن است با هدف تولید مثل یا تشکیل خانواده اقدام به ارضای مشروع میل جنسی کنند. ممکن است انگیزه برخی اجتناب



از معصیت و تعبد در امثال دستورات الهی باشد، البته گروهی نیز هدف نهایی از خلقت را در نظر داشته و آمیزش جنسی را برای رسیدن به کمال نهایی و قرب الهی انجام می دهند. از این رو، خداوند رحمان در نظام تشریح که همسو با نظام تکوین است مسئله نکاح و ارضای صحیح میل جنسی را مطرح کرده تا به اقتضای ربوبیت خود که متکفل همه نیازهای مخلوق است راه رسیدن به کمالات را به انسان نشان داده باشد. نکاحی که در آیه «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (نور: ۳۲) بدان امر و در روایات متعدد از آن به عظمت و سنت نبوی یاد شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۲۸/۵) فقط به معنی آمیزش جنسی نیست. نکاح و ارضای مشروع غریزه جنسی در نگاه قرآنی به منزله پلکانی است که انسان را در عروج به مقامات عالیه کمک کرده و سبب ترفیع درجات روحی وی می شود (مصباح یردی، ۱۳۸۴). از این رو، برخی از فقهای امامیه به صبغه عبادی نکاح تصریح کرده و آن را ملحق به عبادات دانسته اند. ایشان در مسئله امکان جعل یا شرط خیار در عقد نکاح توضیح داده اند که عقد نکاح مانند بیع و سایر عقود از قسم معاملات نیست تا بتوان در آن شرط خیار و... را معتبر دانست، بلکه از آنجاکه نکاح صبغه عبادی دارد چنین شرطی در آن راه ندارد (عاملی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۲۰/۵). شاهد این مدعا آدابی است که برای آمیزش جنسی چه در شب زفاف و چه در سایر مواقع آمیزش در روایات آمده است. برخی از این تشریفات مربوط به قبل از آمیزش جنسی است مانند وضو گرفتن زن و شوهر، خواندن دو رکعت نماز، شکر خدا کردن، دعا برای دوام محبت و عشق بین زوجین، دعا برای عاقبت به خیری خود و فرزند، دعا برای در امان ماندن از شر شیطان، دعا برای تولید فرزند سالم و صالح، گفتن حمد و ثنای الهی، صلوات فرستادن، استعاذه کردن، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»، تکرار ذکر تکبیر در شب زفاف و... (طبرسی، ۱۳۷۲؛ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق).

برخی از آداب نیز مربوط به هنگام آمیزش جنسی و بعد از آن است مانند ذکر خدا گفتن، رو به قبله و پشت به قبله بودن، جماع در شب جمعه، به طور کامل عریان نبودن، بدون روانداز نبودن، جای آرام و خلوت بودن، باعجله آمیزش نکردن، نگاه نکردن به عورت یکدیگر، صحبت نکردن با یکدیگر، با شکم پر آمیزش نکردن، غسل کردن فوری پس از آمیزش، با حالت جنابت خوابیدن، شستن خود و وضو گرفتن در صورت فاصله تا غسل

کردن، عدم آمیزش در بین الطلوعین، عدم آمیزش در ظهر، عدم آمیزش به صورت ایستاده و... (طبرسی، ۱۳۷۲) با نگاهی دقیق به این دستورات مشخص می‌شود در همه این موارد نوعی احتراز از لذت‌جویی و التذاذ حیوانی لحاظ شده است، به طوری‌که این عمل به ظاهر شهوانی و حیوانی را در نظامی عبادی و روحانی توصیف می‌کند. گویی انسان در هنگام آمیزش جنسی مشروع، مشغول انجام مناسک عبادی و گام نهادن در معراجی روحانی است. برخی از اهل معرفت در تشریح این آداب در تشبیهی نغز، آمیزش جنسی مشروع را به مثابه ورود به حرم دانسته که مجرای فیض خداوند بوده و از این نظر نیازمند طهارت، اذن ورود، دعا و... است (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

۲-۲. ارضای صحیح میل جنسی عامل سعادت انسان

برخلاف دیدگاه برخی مکاتب و اندیشمندان که میل جنسی را امری پلید و ارضای آن را نیز عامل سقوط انسان از جایگاهی رفیع می‌دانند (فقیهی، ۱۳۹۴) قرآن کریم در آیات متعدد، ارضای صحیح میل جنسی را عامل ترقی انسان می‌داند. این آیات را می‌توان در چهار قسمت بررسی کرد:

۲-۲-۱. شریک جنسی مؤمن، ابزاری برای حرکت تکاملی

در آیات متعدد، خلقت همسر برای انسان از الطاف الهی است: «وَحَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا» (نبأ: ۸). از آنجاکه این آیات در مقام امتنان بر انسان است (ر.ک.، ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۱۴۵/۲۷، قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۲۵/۱۰) می‌توان دریافت که میل به همسر که بخش عمده آن ناشی از غریزه جنسی است از نعمت‌های تکوینی مهم الهی است و هر نعمتی که خالق حکیم برای انسان فراهم کرده است به طور قطع در مسیر هدف خلقت و کمال انسان کاربرد دارد.

اول، ایمان، شرط گزینش همسر

در مقام تشریح، خداوند در آیات متعدد، تقوا و ایمان همسر را از شروط گزینش همسر می‌داند و بر آن تأکید می‌کند. خداوند در سوره تحریم در خطاب به همسران پیامبر ﷺ می‌فرماید: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّكَ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ تَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا» (تحریم: ۵). این آیه به اوصاف همسر شایسته اشاره می‌کند

و شش ویژگی یعنی، اسلام، ایمان، فرمانبری، توبه، عبادت و روزه‌داری را که از فضایل اعتقادی و اخلاقی است قبل از واژگان «شوهرکرده» و «دوشیزه» آورده است. گویی آیه شریفه بیان می‌دارد که شریک جنسی انسان در مرحله اول و قبل از توجه به وضعیت ظاهری همسر باید این فضایل را داشته باشد و مقصود اولی از نکاح و ارضای میل جنسی در مسیر این فضایل و کمالات است. نکته جالب توجه اینکه در تقدیم و تأخیر بین ثبوت و دوشیزگی، ابتدا ثبوت بودن را ذکر می‌کند تا به نوعی بیان دارد که شرایط ظاهری در ارضای میل جنسی چندان مدنظر نیست و رشد و صعود معنوی در سایه وجود سایر فضایل، اصل و اساس نکاح است.

آیه ۲۵ سوره نساء نیز بر ایمان همسر تأکید کرده است: «وَمَنْ لَّمْ يَسْتِطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَرِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ؛ اگر توان مالی برای ازدواج با زن آزاد مؤمن ندارید با کنیزان مؤمن ازدواج کنید». این آیه، ایمان را شرط اساسی در هر ازدواجی می‌داند. این نکته آیه ۴۹ سوره احزاب نیز اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَكَهَّمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَيَعْبُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سِرَاحًا جَمِيلًا». در این آیه حکم طلاق زنان پیش از ارتباط جنسی برای عموم مؤمنین بیان شده است و آنان را با وصف «مؤمنات» ذکر می‌کند. از آنجا که براساس روایات و فتوای مشهور فقها ازدواج موقت با اهل کتاب جایز است (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۴۲۴ ه.ق، ۴۶۸/۲) روشن می‌شود که قید «مؤمنات» احترازی نیست و برای بیان صفت مطلوب زوجه است (بیضوی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۲۳۵/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۳۷۷).

دوم) تحصیل سکینه و آرامش در سایه ایمان همسر

آیه دیگر هدف از ازدواج را نه فقط اطفای غریزه جنسی، بلکه تحصیل سکونت و آرامش جسمی و معنوی می‌داند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱). این سکونت و آرامش در سایه معنویت و ایمان همسر ایجاد می‌شود؛ زیرا ازدواج و ارتباط جنسی با احساسات عالی انسانی آمیخته است و زمینه دستیابی به بسیاری از اوصاف روانی و فضایل اخلاقی مناسب را فراهم می‌کند (فقیهی، ۱۳۹۴). در روایت آمده است که پیامبر ﷺ پس از ازدواج امیرالمؤمنین ع و حضرت زهرا ع به منزل ایشان وارد شد و

از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد حضرت زهرا علیها السلام پرسید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ». حضرت ازدواج را ابزاری در دستیابی به هدف خلقت می داند که ایمان و تقوای همسر را در این مسیر فراهم می کند. ایمانی که اگر در طول زندگی زناشویی از بین رود علقه زوجیت نیز به تبع آن از بین خواهد رفت. براساس آیات **قرآن** (ر.ک.، بقره: ۲۲۱، ممتحنه: ۱۰)، روایات (ر.ک.، طوسی، ۱۳۹۰، ۱۷۸/۳، قمی، ۱۳۶۳/۲، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق.، ۳۴۸/۵) و فتوای فقها (ر.ک.، حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ ه.ق.، ۴۴۶/۲۱، مفید، ۱۴۱۳ ه.ق.؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۴ ه.ق.، ۴۶۸/۲) ازدواج با کفار حرام است. اگر غرض از ازدواج فقط ارضای میل جنسی بود، دلیلی نداشت برای ایجاد رابطه جنسی اعتقادات شریک جنسی دخیل باشد، اما چون ارضای صحیح میل جنسی عامل حرکت در مسیر کمال انسانی است اعتقادات و فضایل اخلاقی شریک جنسی مورد توجه مؤکد **قرآن کریم** است. اگر هر یک از زوجین پس از اسلام از اعتقاد خود برگردد و کافر شود، بی درنگ رابطه زوجیت قطع می شود و ادامه زندگی مشترک مشروع نیست (موسوی خمینی، بی تا، ۴۹۵/۲).

عدم ایمان یکی از زن و شوهر نیز موجب قطع زوجیت میان آن دو می شود. **قرآن** درباره زنان کافری که از شهر خود به دیار مسلمین هجرت کرده اند، دستور می دهد که پس از اطمینان از ایمان واقعی آنها دیگر آنها را به شهر و همسرانشان بازنگردانید؛ زیرا این زن و مرد دیگر بر یکدیگر حلال نیستند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِنْهَا جَرَّاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ» (ممتحنه: ۱۰). بسیاری از فقها با استناد به این آیه به حرمت ازدواج با کافر فتوا و به قطع رابطه زوجیت با ظهور ارتداد داده اند (ر.ک.، مفید، ۱۴۱۳ ه.ق.؛ حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ ه.ق.، ۴۴۶/۲۱). در سوره بقره باصراحت بیشتری از ازدواج با مشرک نهی شده و تنها راه جواز آن، ایمان آوردن مشرک اعلام شده است: «وَلَا تَتَّخِذُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا» (بقره: ۲۲۱). فضیل بن یسار می گوید: «از امام صادق علیه السلام از حکم تزویج خواهر همسر با مرد فاسدالعقیده‌ای پرسیدم. ایشان در پاسخ ضمن استشهاد به این آیه، این عمل را فاقد ارزش دانست و از انجام آن منع کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق.، ۳۴۹/۵).

سوم) منع نکاح با مفسدان اخلاقی و رفتاری

قرآن علاوه بر فساد اعتقادی، فساد رفتاری و اخلاقی را نیز مانعی برای ازدواج دانسته و می فرماید: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى



المؤمنین» (نور: ۳)، مفسران در اینکه آیه شریفه در مقام بیان اخبار از یک حکم تکوینی است یا انشای حکم تشریعی، اختلاف نظر فراوانی دارند. گروهی معتقدند که آیه واقعیتی بیرونی را بیان کرده و می‌فرماید در عالم واقع اهل فحشا با همسری بدکاره یا مشرک ازدواج می‌کنند و چنین ازدواجی برای مؤمنین اتفاق نخواهد افتاد؛ زیرا اهل فحشا و ابتدال به یکدیگر علاقه داشته و به دنبال یکدیگر می‌گردند. درمقابل، عده‌ای می‌گویند مراد از آیه، بیان حکم شرعی است. از آنجاکه آیه در سیاق آیاتی قرار دارد که احکام شرعی را بیان می‌کند، به نظر می‌رسد در اینجا نیز انشای حکم شرعی مقصود است و مراد این است که ازدواج مرد زناکار با زن مؤمن و نیز زن زناکار با مرد مؤمن حرام است و زن یا مرد زناکار باید با زن یا مرد زناکار یا مشرک ازدواج کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۸۰/۱۵). روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز مؤید این احتمال است. در احادیث متعددی حضرات معصومین علیهم‌السلام در تفسیر آیه شریفه فرموده‌اند: «اگر کسی مشهور به زنا بود و حد نیز بر او جاری شد، ولی همچنان توبه نکرد، ازدواج با چنین کسی حرام است» (حویزی، ۱۴۱۵، ۵۷/۷۳، کلینی، ۱۴۷ ه.ق، ۵/۳۵۴).

امام باقر علیه‌السلام در روایتی با استناد به همین آیه شریفه و تقابل مؤمن و مشرک استدلال می‌کند که اگر کسی میل جنسی را از مسیر غیرمشروع آن ارضا کند در آن حالت از ایمان خارج شده است: «فَلَمْ يُسَمَّ اللَّهُ الرَّائِي مُؤْمِنًا وَلَا الرَّائِيَةَ مُؤْمِنَةً وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ يَمْتَرِي فِيهِ أَهْلُ الْعِلْمِ أَنَّهُ قَالَ لَا يَزْنِي الرَّائِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ». (کلینی، ۱۴۷ ه.ق، ۳۲۲/۲) اینکه شخص زانی هنگام فحشا از حالت ایمان خارج است گویای این نکته است که ارضای صحیح میل جنسی در وجود انسان برای حرکت در مسیر سعادت است و از آنجاکه مشرک در مسیر شقاوت و ضلالت حرکت می‌کند، پس زانی که میل جنسی را از راه غیرمشروع آن ارضا می‌کند نیز در مسیر شقاوت است. شبیه این مفهوم در آیه ۲۶ سوره نور نیز آمده است: «الْحَيْثِيَّاتُ لِلْحَيْثِيِّينَ وَالْحَيْثِيُّونَ لِلْحَيْثِيَّاتِ وَالظَّالِمَاتُ لِلظَّالِمِينَ وَالظَّالِمُونَ لِلظَّالِمَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ». اگرچه مفسران در معنی عبارت «حیثیت» و «طیب» و وجه اختصاص این افراد به یکدیگر اختلاف نظر دارند، در حدیث آمده است این آیه مانند آیه «الرَّائِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً» است؛ زیرا گروهی از مردم به دنبال ازدواج با اهل فحشا بودند و خداوند ایشان را از این کار نهی کرد (طبرسی، ۱۳۷۲). برخی روایات مختلف حکایت می‌کنند که برخی

از اصحاب ائمه علیهم السلام از ایشان درباره ازدواج با زنان خبیثه سؤال می‌کردند و ائمه علیهم السلام نیز از چنین عملی نهی می‌کردند. این روایات نشان می‌دهد مراد از خبیثه، زنان خبیثه و اهل فحشا هستند برخلاف تفسیر برخی مفسران که خبیث را به معنی اعمال یا گفتار ناپاک دانسته‌اند (اشعری قمی، ۱۴۰۸ ه.ق). باتوجه به قرینه مقابله، مراد از طیب نیز مرد پاکدامن است که برای حفظ طهارت و طی طریق در مسیر طهارت نیازمند شریک جنسی پاک است؛ زیرا تجانس روحی و اخلاقی در هر نوع مصاحبت و از جمله گزینش همسر از مواردی است که انسان را در سلوک الهی و نیل به کمالات نفسانی کمک می‌کند (فقیهی، ۱۳۹۴).

چهارم) اجتناب از فحشا لازمه ایمان و سلوک

خداوند در سوره فرقان در توصیف بندگان الهی که در مسیر بندگی قرار دارند اوصافی را ذکر می‌کنند که یکی از این اوصاف دوری از زناست: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا» (فرقان: ۶۳-۶۸). سالک در طریق عبودیت که به سمت غایت بندگی در حرکت است نیازمند انجام برخی افعال و ترک بعضی اعمال است. در این آیات خداوند برخی از این موارد را بیان کرده که یکی از آنها ترک فحشا و بالتبع ارضای میل جنسی از مسیر صحیح آن است.

پنجم) ترک فحشای جنسی، شرط بیعت با رسول صلی الله علیه و آله

خداوند در سوره ممتحنه ترک زنا را یکی از شروط بیعت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر کرده و در ادامه به رسول خود دستور می‌دهد با کسانی که این شروط را تعهد می‌کنند بیعت و برای آنها از خداوند طلب مغفرت کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَظْهُرِهِنَّ وَلَا يَفْضِيْنَكَ فِي مَعْرُوفٍ مُّبَايَعْتِهِنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه: ۱۲).

استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله شامل کسانی می‌شود که میل جنسی را از هر راهی ارضا نکرده و از این میل مراقبت می‌کنند. استغفار اشرف مخلوقات عالم، صرف ادای کلمات و قرارداد نیست و در ورائی این خواسته اثرات تکوینی برای فرد حاصل می‌شود. اهل ادب اصل ماده غفر را به معنی محو اثر و موانع دانسته‌اند که وقتی در مورد گناهان به کار می‌رود به معنی رفع موانع و ظلمات سیئات است تا انسان بتواند آثار حسنات را دریافت و صلاحیت اخذ فیض و لطف را دارا شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۲۹۳/۷). شاهد این مطلب فرموده حضرت ابراهیم علیه السلام

است: «وَالَّذِي يُبْتِغِي تُمْ مُجْبِنِينَ. وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (شعرا: ۸۱-۸۲). مراد از مغفرت حضرت ابراهیم عليه السلام تطهیر از گناه نیست؛ زیرا انبیا معصوم و مبری از گناه هستند، بلکه مقصود آن است که خداوند متعال آنچه را در حضرت ابراهیم عليه السلام مانع لقای بهتر و درک مراتب کامل تر است با غفرانش از میان برده، مقدمات نیل به کمال مطلق را برای حضرتش فراهم می‌کند. حجب و ظلماتی را خداوند از بین می‌برد که در اثر اقتضائات عالم دنیا از جمله انجام مباحاتی مانند خواب، خوراک و اشتغالات لازمه دنیوی برای حضرت ابراهیم عليه السلام به وجود آمده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۸۵/۱۵). استغفار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای کسانی که فحشا را ترک کرده و میل جنسی را در راه معقول آن به‌کار گرفته‌اند باعث رفع موانع ظلمانی و توفیق سلوک در مسیر رحمانی و حرکت به سمت سعادت ابدی است.

۲-۳. حرکت تکاملی بهشتیان در سایه رابطه جنسی

از دیگر آیات نشان‌گر نقش میل جنسی در مسیر کمال انسانی آیات بیانگر وجود و ارضای این میل در بهشت است. درباره ظرف مکانی تحقق کمال انسان بین اهل نظر اختلاف است. عده‌ای باتوجه به این نکته که تکامل، معلول عمل صالح و اختیاری انسان است و چنین عملی نیز تنها در سرای دنیا ممکن است ظرف تحقق کمالات را نیز همین دنیا یا عالم برزخ که از جهاتی به عالم دنیا شباهت دارد، دانسته‌اند. (ر.ک.، جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۳۸۴/۱ و ۲۴۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۳۷۶/۷، مصباح یزدی، ۱۳۹۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴) گروه دیگر معتقدند که علاوه بر دنیا و عالم برزخ در بهشت و جهنم نیز نیل به کمال امکان پذیر است (ر.ک.، شجاعی، ۱۳۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۲۷۶/۶).

در تبیین این دیدگاه می‌توان گفت از آنجا که کمال انسانی فعلیتی از نفس انسان و متناسب با نحوه وجود آن است، پس متناسب با هر نشئه از وجود انسان (دنیا، برزخ، قیامت) کمالی برای انسان در آن عالم تحقق پیدا خواهد کرد. حتی می‌توان گفت از آنجا که این عوالم در طول یکدیگر بوده و یکی پس از دیگری به وجود می‌آیند ظرف تحقق کمال انسان به صورت کلی در عالم قیامت است؛ زیرا براساس آیات **قرآن کریم**، انسان موجودی ایستا و ساکن نیست، بلکه به طو دائم در حال حرکت و تکامل است. این حرکت استکمالی به سمت خداوند یعنی، ذات ازلی و ابدی است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶). از این رو،

این حرکت را انتها و تمامی نیست و پیوسته انسان سیر می‌کند تا به لقاء الله برسد: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فُلاَئِيهِ» (انشقاق ۶)، «إِلَى اللَّهِ الْمَصِير» (نور: ۴۲). این آیه می‌فرماید: «صیوروت و شدن انسان به سمت خداست». سیر به سمت کمال مطلق و بی‌نهایت نشان می‌دهد کمال بعد از کمال و رشد بعد از رشد باید حاصل شود: «إِلَى رَبِّكَ يُؤْمِنُ الْمُسْتَقَرُّ» (قیامه: ۱۲). این سیر الی الله و شهود باطنی حضرت حق اوج تکامل انسان هاست (مصباح یزدی، ۱۳۸۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۳۱۰/۵) که البته تمامی ندارد (رهید و کریمی، ۱۴۰۰).

قرآن کریم در سوره انشقاق می‌فرماید: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ». برخی از قرآن پژوهان در ترجمه و توضیح این آیه گفته‌اند: «بی‌تردید شما حال و مرحله‌ای را پس از حال و مرحله‌ای خواهید پیمود. این سیر تکاملی در دنیا از مرحله نطفه شروع شده تا زمان مرگ در عالم برزخ تا زمان قیامت کبری و در سرای آخرت و در مواقف قیامت تا مقام لقای الهی ادامه دارد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۴۶/۲۰؛ مشکینی، ۱۳۸۱). برخی از بزرگان در این باره آورده‌اند که مرتبه «ذَنَى فَتَدَلَّى» آخرین مرحله سیر و سلوک انسان نیست و «اقراً و ارقاً» پایانی ندارد. معنای جاودانگی بهشت نیز همین است که قلمرو مشاهدات انسان را مرزی نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

۲-۴. التذاذ جنسی از مهمترین نعمت‌های بهشتی

یکی از نعمت‌هایی که مکرر در مورد اهل بهشت در آیات **قرآن کریم** مطرح شده نعمت برخورداری از لذت میل جنسی است. از آنجا که لذت ارضای میل جنسی لذیذترین یا یکی از لذیذترین لذت‌هاست (ر.ک.، کلینی، ۱۴۷ ه.ق، ۳۲۷۵) خداوند در **قرآن کریم** اهل جنت را به نعمت هم‌خوابگی با حورالعین و همسران بهشتی متنعّم ساخته است (ر.ک.، دخان: ۵۴؛ طوره: ۲۰؛ واقعه: ۲۲). به فرموده **قرآن کریم**، حیات حقیقی انسان در سرای آخرت است: «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت: ۶۴). این موجود زنده در حال حرکت است و در مسیر تکامل قدم برمی‌دارد. به نظر می‌رسد ارضای میل جنسی در نشئه قیامت نیز لازمه این حیات خاص بوده و برای درک درجات عالیّه ضروری است. گویی انسان با بهره‌برداری از این عطیه، قدرت ترقی به سمت کمالات را پیدا می‌کند همچنان‌که در نشئه دنیا نیز این میل را در مسیر کمال به‌کار می‌گرفته است.

۲-۵. خداوند و اولیای الهی، واسطه تزویج اهل بهشت

در تأیید این مطلب باید گفت که واسطه تزویج در آن نشئه نیز خود خداوند و اولیای اوست. در دو آیه **قرآن** در توصیف اهل بهشت آمده است: «رَوَّجْنَا لَهُمْ بُحُورَ عَیْنٍ» (دخان: ۵۴، طوز: ۲۰). امام باقر علیه السلام فرمود: «فَإِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلُ النَّارِ النَّارَ بَعَثَ رَبُّ الْعَرْشِ عَلَيْنَا مَلَائِكَةً فَأَنْزَلَهُمْ مَنَازِلَهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَرَوَّجَهُمْ، فَعَلَىٰ وَ اللَّهِ الَّذِي يُرَوِّجُ أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ» (کلینی، ۱۴۷ هـ.ق. ۱۵۹/۸). از آنجا که شریعت اختصاص به دنیا دارد و در بهشت احکام فقهی وجود ندارد، به نظر می‌رسد مراد از واسطه بودن امیرالمؤمنین علیه السلام در تزویج اهل بهشت، وساطت ایشان در طی مراحل کمال و افاضه فیض آن حضرت به بهشتیان در پرتو رابطه جنسی در بهشت است.

۲-۶. لذت جنسی از مصادیق کمالات بهشتی

شاهد قوی بر این ادعاهای مطرح شده آیات سوره نبا است که می‌فرماید: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا. حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا. وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا» (نبا: ۳۱-۳۳). در این آیات خداوند پاداش اهل تقوا را در بهشت، نیل به فوز و کمال معرفی می‌کند. بلافاصله این فوز و کمال را تشریح و مصادیق آن را بیان می‌کند که یکی از این مصادیق، کواعب است. کواعب جمع کلمه کاعب به معنی دوشیزه‌ای است که تازه برآمدگی سینه او آشکار شده است و اشاره به آغاز جوانی او دارد. اتراب جمع ترب و به معنای مثل و مانند است. «کواعب اتراب» به معنای دخترانی هم سن و سال و شبیه به هم است. (رک. ابن عاشور، ۱۴۲۰ هـ.ق. ۳۹/۳۰، ابوجیان آندلسی، ۱۴۲۰ هـ.ق. ۳۸۹/۱۰، بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ.ق. ۲۸۷۵، سمین، ۱۴۱۴ هـ.ق. ۴۶۷/۶، صافی، ۱۴۱۸ هـ.ق. طبرسی، ۱۳۷۲) در کلام عرب مقصود اصلی بین بدل و مبدل منه، بدل است تاجایی که گفته‌اند مبدل منه در حکم سقوط است (جامی، بی تا، ۱/۳۶۰). بنابراین، معنی آیه شریفه یعنی، فوز و سعادت که متقین به آن خواهند رسید همین خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و آمیزش‌هاست. آمیزشی که انسان را برای عروج در درجات بهشت مهیا ساخته و پیوسته بر کمالات او می‌افزاید.

شاهد دیگر این مدعا آیات سوره مبارکه یس است که در توصیف بهشتیان می‌فرماید: «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ» (یس: ۵۵). امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «مَعْنَاهُ شُغْلُوا بِأَفْتِضَاضِ الْعَذَارَىٰ يَفَاكِهُونَ بِالنِّسَاءِ وَيَلَاعِبُونَهُنَّ؛ ایشان در بهشت از دوشیزگان ازله بکارت کرده و با همسران خویش ملاعبه و هم‌خوابگی دارند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶۷۰/۸). بلافاصله در آیه بعدی

می‌فرماید: «هُمَّ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكُونَ» (یس: ۵۶). در این آیه پس از بیان نعمت ارضای میل جنسی سخن از اقامت فرد به همراه همسرش در سایه بهشتی به میان آمده است مانند آیه ۵۷ سوره نساء: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا هُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا ظِلْلٌ» (واقعه: ۳۰)، «أَكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا» (رعد: ۲۵)؛ زیرا در بهشت خورشید وجود ندارد و بساط این خورشید و آسمان‌ها هنگام قیامت برچیده می‌شود (ر.ک. انسان: ۱۳؛ انبیاء: ۱۴؛ تکوین: ۱). همچنان‌که جمعی از مفسران اشاره کرده‌اند به نظر می‌رسد مراد از این سایه گسترده و دائمی افاضه خیرات و نزول رحمت الهی باشد که اهل بهشت در سایه این رحمت و وسعه مراتب کمال را به دست می‌آورند (ر.ک.، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ۴۹۷/۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۴۷/۲۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲۳۱/۷؛ مجلسی، ۱۴۳۰/۷۱، ۲۹۹). ذکر این نکته بلافاصله پس از بیان لذت میل جنسی و معیت ازواج، اشعار به علیت آمیزش در مسیر کمال دارد.

۲-۷. انسان کامل و آمیزش جنسی

دلیل دیگر عاملیت میل جنسی در کمال انسانی، آمیزش جنسی انبیا و اولیای خداست. آیات وحی، روایات اهل بیت علیهم‌السلام و تاریخ بیان می‌کند که انبیا و ائمه علیهم‌السلام که انسان کامل بوده و مفتخر به مقام طهارت و عصمت هستند نیز میل جنسی و همسر داشته و این میل خود را با آمیزش با جنس مخالف ارضا می‌کردند. **قرآن کریم** می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً» (رعد: ۲۸). از طرفی انبیا و ائمه علیهم‌السلام هیچ‌گاه فعل عبث و بیهوده‌ای مرتکب نمی‌شوند. شهید مطهری می‌فرماید: «کارهای ما انسان‌ها بر دو قسم است: کارهای عبث و بیهوده که نتیجه‌ای بر آنها مترتب نیست؛ یعنی در رساندن ما به کمالاتی که در استعداد ما هست و به عبارت دیگر در رساندن ما به سعادت واقعی هیچ تأثیری ندارند و دیگر کارهای بخردانه و عقل‌پسند که نتایج خوب و مفیدی به بار می‌آورند و ما را به کمال شایسته‌مان می‌رسانند. نوع اول را کارهای لغو و باطل و پوچ و نوع دوم را کارهای اصیل و حکیمانه می‌نامیم، پس کار حکیمانه ما انسان‌ها عبارت است از کاری که ما را به کمال شایسته‌مان برساند» (مطهری، ۱۳۸۴/۲، ۵۴۳). بنابراین، انسان حکیم انسانی است که اول، در کار خود غایت و غرضی دارد؛ دوم، در میان هدف‌ها و غرض‌ها، اصلح و ارجح را انتخاب می‌کند؛ سوم، برای وصول به غرض اصلح و ارجح، بهترین



وسیله و نزدیک‌ترین راه را برمی‌گزینند (مطهری، ۱۳۸۴، ۴۶/۱). با این توضیح تمام افعال انبیا و ائمه علیهم‌السلام به طور قطع، حکیمانه و برای نیل به کمال خواهد بود. از جمله این افعال ارضای میل جنسی این ذوات مقدسه است که در مسیر سعادت و فلاح استخدام شده است. در این باره نقل شده است که زنی خدمت امام باقر علیه‌السلام رسید و گفت: «أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنِّي مُتَبِعَةٌ فَقَالَ لَهَا وَمَا التَّبْتُ لِعِنْدِكَ قَالَتْ لَا أُرِيدُ التَّرْوِيجَ أَبَدًا قَالَ وَلِمَ؟ قَالَتْ أَلْتَمَسُ فِي ذَلِكَ الْفَضْلَ فَقَالَ انْصَرِفِي؛ فَلَوْ كَانَ فِي ذَلِكَ فَضْلٌ لَكَانَتْ فَاطِمَةُ علیها‌السلام أَحَقَّ بِهِ مِنْكَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ؛ خدایند حال شما را نیکو گرداند. من مُتَبِتِل هستم. حضرت فرمود: تبتل در نزد تو چیست. زن گفت: اینکه هرگز ازدواج نکنم. حضرت فرمود: چرا؟ جواب داد برای رسیدن به فضیلت و کمال. حضرت فرمود: چنین کاری نکن؛ زیرا اگر در ترک ازدواج فضیلت و کمالی بود قطعاً حضرت زهرا علیها‌السلام نسبت تو به این فضیلت سزاوارتر بود؛ زیرا احدی در فضیلت و کمال بر او پیشی نمی‌گیرد». (ابن بابویه، ۱۳۷۶) به همین دلیل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هنگامی که دید عده‌ای آمیزش جنسی را مخالف حرکت در مسیر سعادت انسانی تلقی کرده و نگاهی پست بدان داشتند، به شدت با آنها برخورد کرد. در روایت آمده است که عثمان بن مظعون خدمت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و از تصمیم خود نسبت به اخته و مقطوع‌النسل کردن خود و فاصله گرفتن از همسر و اجتماع خبر داد. آن حضرت به شدت او را از این کار منع کرد و فرمود: «أَيَا مِنَ الْكُوفَى خُوبَى بَرَى لِي نَسْتَمِ. من از لذائذ حلال دنیا استفاده می‌کنم و با همسرانم همبستر می‌شوم و هرکس از این سنت من تخطی کند از من نیست» (زمخشری، ۱۴۷ ه.ق، ۶۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۳/۲۶۴).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در فرمایش دیگری در کنار همسر بودن را از اعتکاف در مسجد النبوی با فضیلت‌تر می‌داند: «جَلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا». (ابی فراس، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۳۲/۲) فرمایش حضرت مؤید این مطلب است که برای درک مقامات عالیه و درک فلاح و صلاح نیاز نیست انسان ترک ارضای غریزه کند، بلکه باید با استفاده از همین مرکب در صراط مستقیم طی طریق کرده و سالک به سوی خدا باشد. **قرآن کریم** در ماجرای بعثت حضرت موسی علیه‌السلام در وادی مقدس، معیبت و همراهی اهل و عیال او را گوشزد می‌کند تا اشاره‌ای داشته باشد که اهل و عیال انسان نه فقط رهن طریق کمال نیستند، بلکه کمک و یاور خوبی در این مسیرند (قشیری، ۲۰۰۰، ۳/۶۴). «فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَ

سَارَ بِأَهْلِهِ أَنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» (قصص: ۲۹). برای تأیید این مطلب می‌توان به مسئله وجوب شرعی آمیزش استشهد کرد. فقهای شیعه با استناد به آیه «لِلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرِيصٌ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٍ قَبْلًا فَاَوْفِرِ اللَّهُ غُفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۲۶) و روایات اهل بیت علیهم‌السلام (رک.، ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ ق، ۴۰۵/۳) فتوا داده‌اند که ترک عمل زناشویی بیشتر از چهار ماه جایز نیست (طباطبایی بزدی، ۱۴۱۹ هـ ق، ۵۶/۵). از آنجاکه اوامر و نواهی الهی تابع وجود مصلحت و مفسده واقعی در امور است و مولای حکیم هر آنچه را که در مسیر سعادت انسانی خللی ایجاد می‌کند حرام و مکروه و هر چه او را در سلوک الی‌الله یاری می‌کند واجب و مستحب اعلام کرده است (رک.، طباطبایی، ۱۳۹۰، ۶۷/۱۶ و ۱۹۲؛ مصباح بزدی، ۱۳۹۱، ۱۴۴/۳) به نظر می‌رسد وجوب جماع برای انسان نیز از آن رو که در مسیر کمال وی نقش دارد مورد توجه شارع است.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

آفرینش غریزه جنسی مانند سایر امیال و غرایز فطری لازمه وجودی انسان و هدفمند است و همچون ابزاری زمینه را برای حرکت استکمالی انسان به سمت هدف خلقت و دستیابی به کمال نهایی فراهم می‌کند. میل جنسی مانند سایر امیال، فی‌نفسه نه ارزش اخلاقی مثبت دارد و نه ارزش اخلاقی منفی، بلکه با جهت‌دهی و هدایت این میل به سمت اهداف متعالی می‌توان به آن صبغه عبادی بخشید تا موجب رشد انسان در مسیر رسیدن به کمال نهایی باشد. این اهداف در افراد به حسب استعداد و انگیزه‌های گوناگون متفاوت خواهد بود. **قرآن کریم** در آیات متعدد به نقش ارضای میل جنسی در سعادت انسان اشاره می‌کند مانند آیاتی که ایمان را شرط اساسی برای انتخاب شریک جنسی عنوان کرده است. **قرآن** غرض از نکاح را آرامش و سکینه معرفی کرده است که این مهم در سایه ایمان و معنویت همسر به دست می‌آید.

برخی آیات **قرآن**، فساد اعتقادی (کفر و ارتداد) هر یک از زوجین را موجب قطع رابطه زوجیت می‌داند. همچنین ازدواج با افرادی که مفاسد اخلاقی و رفتاری دارند از منظر آیات وحی، نهی شده است. این آیات به تأثیر ارضای میل جنسی در کمال و سعادت انسان



دلالت دارد. آیه‌ای که اجتناب از فساد جنسی را ملازم با سلوک نفسانی بیان کرده‌اند به نقش میل جنسی در سعادت انسان اشاره دارند. دوری‌کنندگان از فساد جنسی مشمول دعای رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشند که موجب رشد و کمال نفسانی می‌شود. براساس آیات **قرآن**، یکی از کمالات و برجسته‌ترین نعمت‌های بهشتی، التذاذ جنسی است و بهشتیان در پرتو آمیزش جنسی حرکت استکمالی خواهند داشت. واسطه بودن خداوند و اولیای او در امر تزویج بهشتیان شاهد بر این مدعاست. آیات دال بر آمیزش جنسی انبیا و اولیای الهی از دیگر آیاتی است که بر نقش ارضای میل جنسی در سعادت انسان دلالت دارد.

فهرست منابع

- * **قرآن کریم** (۱۳۸۱)، مترجم: مشکینی، علی، قم: الهادی.
۱. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۶)، **الامالی**، تهران: کتابچی.
 ۲. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳ ه.ق.)، **من لا یحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۳. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ ه.ق.)، **تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور**، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
 ۴. ابویحیی آندلسی، محمدبن یوسف (۱۴۲۰ ه.ق.)، **البحر المحیط فی التفسیر**، بیروت: دارالفکر.
 ۵. اشعری قمی، احمدبن محمدبن عیسی (۱۴۰۸ ه.ق.)، **النوادر**، قم: مدرسه الامام المهدی علیه السلام.
 ۶. بیضاوی، عبداللّه بن عمر (۱۴۱۸ ه.ق.)، **انوار التنزیل و اسرار التأویل**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۷. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۶)، **تفسیر غرر الحکم و درر الکلم**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۸. جامی، عبدالرحمن بن احمد (بی تا)، **شرح ملا جامی علی متن الکافی فی النحو**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۹. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، **فلسفه حقوق بشر**، قم: مرکز نشر اسراء.
 ۱۰. حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۱۲ ه.ق.)، **فقه الصادق علیه السلام**، قم: دارالکتاب مدرسه امام صادق علیه السلام.
 ۱۱. رجبی محمود (۱۳۹۵)، **انسان شناسی**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 ۱۲. رهید، علی، و کریمی، مصطفی (۱۴۰۰)، محل تحقق کمال نهایی انسان از منظر قرآن کریم، **نشریه معرفت کلامی**، ۲۷، ۱۳۹-۱۴۸.
 ۱۳. سمین، احمدبن یوسف (۱۴۱۴ ه.ق.)، **اندر المصنوع فی علوم الکتاب المکتوم**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۱۴. صافی، محمود (۱۴۱۸ ه.ق.)، **الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیان مع فواید نحویه هامه**، دمشق: دارالرشید.
 ۱۵. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۹۰)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 ۱۶. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۹ ه.ق.)، **العروه الوثقی فیما نعر به البیوی**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصرخسرو.
 ۱۸. عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ه.ق.)، **الروضه البیّه فی شرح اللعه المسمیه**، قم: کتابفروشی داری.
 ۱۹. عکبری، عبدالله بن حسین (۱۴۱۹ ه.ق.)، **الشمیان فی اعراب القرآن**، ریاض: بیت الافکار الدولیه.
 ۲۰. فقیهی، علی نقی (۱۳۹۴)، **تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها: منظر قرآن و حدیث**، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث.
 ۲۱. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰)، **لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقران الکریم**، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
 ۲۲. کلینی، محمدبن یعقوببن اسحاق (۱۴۶۷ ه.ق.)، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، **اخلاق در قرآن**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 ۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، **بسیوی خودسازی**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام علیه السلام.

۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *رستگاران*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۶. مصطفوی، سیدحسین (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. تهران: صدرا.
۲۸. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ ه.ق). *المقتنه*. قم: کنگره شیخ مفید.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۰. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۴ ه.ق). *توضیح المسائل*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۱. موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۲. ورام بن ابی فراس، مسعودبن عیسی (۱۴۱۰ ه.ق). *تنبيه الخواطر ونزهة السواظر المعروف بمجموعه ورام*. قم: مکتبه فقیه.